

چند پوست از خامنه‌ای

به اثبات می‌رساند. برای نشان دادن چهره واقعی این عوام‌فریبان پرمده لازم است چند سؤال در برابر او مطرح شود.

(۱) تجدید بنای ساختار اقتصادی بر مبنای اصول اسلامی را چگونه باید درک کرد؟ معمولاً وقتی پیشنهادی، آنهم در عرصه اقتصادی پیش کشیده می‌شود، بلافاصله باید "الگوئی" را که معرف ساختار اقتصاد آینده باشد، ارائه کرد. زیرا بدون چنین "الگوئی" آنچه پیشنهاد می‌شود قابل لمس نیست. هیچ فردی در جهان نمی‌تواند ادعای آشنایی بقیه در ص ۷

چندی پیش خامنه‌ای طی سخنرانی در خراسان از جمله گفت: "در بازسازی باید ساختار اقتصادی جامعه بر مبنای اصول اسلامی تجدید بنا شود و کاری که انقلاب در روزهای پس از پیروزی بایستی آن را انجام می‌داد و در طول جنگ به تاخیر افتاد انجام گردد... برای رفاه اجتماعی و رونق اقتصادی افسار مستضعف، برنامه‌ریزی اداری و دولتی انجام پذیرد که البته این امر مستلزم صبر، نظم و ایثار مردم است."

خامنه‌ای نه تنها سلفه می‌کند، بلکه بیسوادی خود را حداقل در زمینه اقتصادی

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۲۲۴ دوره هفتم سال پنجم
شنبه ۱۳۶۷/۶/۱۸ بها ۲۰ ریال

"هستی" و "نیستی"

نیز نامه خمینی به وی.

۸ شهریور ماه، خمینی به بهانه "هفته دولت" در حضور خامنه‌ای، موسوی و اعضا کابینه سخنرانی کرد. همه می‌دانند که برگزاری "هفته دولت" آنهم در اوج تازه اختلاف های زائیده پذیرش قطعنامه ۵۹۸، دایر بر پایان دادن به جنگ و نشستن پشت میز مذاکره، در هرم حاکمیت از اهمیت چندانی برخوردار نبود. خمینی که حاضر نشد حتی هنگام پذیرش قطعنامه ۵۹۸ خطاب به "پيروانش" سخن گوید، به چه علت ناگهان در "هفته دولت" پشت میکروفون رفت؟ علت را باید در تشدید اختلاف ها میان جناح هاجستجو کرد که خمینی پخوبی از ژرفای آن و خطری که از این ناحیه هستی‌رژیم را تهدید می‌کند، آگاه است.

خمینی کوشید تا مطابق معمول با "پند و اندرز" از اختلاف ها که به مرحله حادی رسیده است، بکاهد. اما شیوه وی این پار نتوانست ماندگذاشته اثر بخش باشد هنوز چند صبحی نگذشته "انفجار" روی داد و میرحسین موسوی، بدون مشورت با "امام امت"، "خودسرانه" از مقام نخست وزیری استعفاء داد.

علت استعفاء موسوی چه بود؟ می‌گویند علت این بوده که گویا مجلس شورای اسلامی به ۸ تن از وزیران پیشنهادی وی رای اعتماد نداده است. به نظر ما، این فقط ظاهر امر است. اینکه کابینه موسوی، از پدو تشکیل، نمایندگان هردو جناح مخالف را دربر می‌گرفت، پرهیچکس پوشیده نبود و نیست. خود موسوی نیز از اینکه مثلا وزارت امور خارجه خود دولتی در داخل دولت است، نمی‌توانست خشنود باشد. علل و عواملی که منجر به استعفاء موسوی شد، ریشه‌های عمیقی بقیه در ص ۲

پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد از چنانچ رژیم، اختلاف میان دو جناح عمده در حاکمیت وارد مرحله نوینی گردید. علت نیز روشن است. رژیم که زیر فشار فزاینده افکار عمومی موجودیت خود را در خطر می‌دید با پذیرش قطعنامه پیشگفته به عقب نشینی سیاسی ناخواسته‌ای دست زد. این اقدام نمی‌توانست هم در هرم حاکمیت و هم در پیرامون آن تاثیر نگذارد.

دو حادثه‌ای که طی دو هفته اخیر یکی پس از دیگری روی داد، در واقع بازتاب این تاثیر از سوی و واکنش جناح هادرمقابل آن از سوی دیگر بود. این دو حادثه عبارت بودند از: سخنرانی غیرمنتظره ۸ شهریور خمینی و استعفاء ناگهانی میرحسین موسوی از مقام نخست وزیری و

بار دیگر طلب یاری از احزاب برادر

به نجات جان میهن دوستان بشتابید!

کمیته مرکزی حزب توده ایران در تاریخ ۲۴ اوت نامه‌ای به همه احزاب برادر سازمانهای دوست فرستاده، که در آن از جمله آمده است:

"موج اختناق و سرکوبگری رژیم جمهوری اسلامی کماکان ادامه دارد.

در ماه گذشته بیش از ۵۰ میهن دوست به جوخه اعدام سپرده و مخفیانه در گورهای جمعی دفن شده‌اند. رژیم جمهوری اسلامی حتی نام و محل دفن این قربانیان ددمنشی خود را از بستگان آنها پنهان می‌دارد. خانواده‌های نگران زندانیان سیاسی، به امید عبث آگاه شدن از سرنوشت عزیزانشان، در اطراف گورستانها پرسه می‌زنند.

اطلاعات ماحکی از آنست، که رژیم درصد اعدام صدها میهن دوست است، که بیش از پنج سال در سیاهچالها شکنجه دیده‌اند.

تنها با اقدام عاجل احزاب و سازمانهای مترقی و دمکراتیک می‌توان به این جنایات پایان بخشید.

به نجات جان میهن دوستان بشتابید! به همبستگی پیدرنگ و کارآی، شما با زندانیان سیاسی ایران سخت نیاژمندیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

نبرد، سخت، ناپرابر و خونین در جامعه ما در جریان است. کارگران و دیگر زحمتکشان شهر و روستا در این نبرد رویاروی رژیم ضدپیشروی و جنایتکار تاندان مسلح ج.ا. قرار دارند. حزب توده ایران و اعضا و هواداران مبارز و صادق آن نیز مانند همیشه دوشادوش و پیشاپیش زحمتکشان به پیکار بی‌امان ادامه می‌دهد و به همین سبب نیز یکی از آماج‌های اصلی یورشهای، سبانه و فاشیستی ارگانهای سرکوبگر رژیم خمینی هستند.

در ماههای اخیر صفحات "نامه مردم" انباشته از اخبار هولناک مربوط به فجایعی است که در پشت دیوارهای زندانهای رژیم روی می‌دهد. زندانیان سیاسی مورد تهاجم و وحشیانه رژیم خمینی هستند. کشتار دگراندیشان در کشور پراه افتاده است. انسانهای بی‌گناه را گروه-گروه، بدون محاکمه به جوخه‌های اعدام می‌سپارند. رژیم "ولایت فقیه" که کوچکترین بهائشی به مراعات حقوق بشر نمی‌دهد، بدین طریق بار دیگر چهره ضدپیشروی خود را در افکار عمومی به نمایش می‌گذارد.

در این شرایط سخت، اعضا و هواداران حزب در داخل و خارج از کشور با مراعات اصول اکید پنهانکاری در تجهیز افکار عمومی علیه جنایات های رژیم ترور و اختناق، از هیچ فداکاری دریغ ندارند. مبارزه در راه آزادی زندانیان سیاسی بعنوان بخش جدائی ناپذیر پیکار علیه رژیم ضدخلق است. هسته‌های حزبی به این موضوع توجه خاص دارند. البته نبرد در شرایط تشدید ترور و اختناق از هسته‌های حزبی احتیاط دوچندان را طلب می‌کند. رژیم از گسترش مبارزه توده ایها هراسناک است. جاسوسان رژیم در تلاش کشف و از بین بردن هسته‌های حزبی هستند. اینهم مسلم و روشن است که تعداد مخالفان رژیم در سطح کشور با سرعت بی‌سابقه افزایش می‌یابد. رویکردانی توده‌های میلیونی از رژیم خواه ناخواه جو مبارزه علیه رژیم را در مقایسه با سابق کاملا پسود نیروهای مترقی تغییر داده است. اما هیچیک از این عوامل به معنای نادیده گرفتن اصول اساسی پیکار در شرایط مخفی نبوده و نیست.

هسته‌های حزبی و همه هواداران حزب که هر یک بگونه‌ای علیه رژیم مبارزه می‌کنند باید اصل مصوب ارگانهای عالی حزب را بدون اندکی کم و کاست بمورد اجرا گذارند. عدم تمرکز همچنان اصل عمده کار حزب در شرایط مخفی است. هواداران بقیه در ص ۸

رژیم "ولایت فقیه" در بن بست

همه جانبه اجتماعی - اقتصادی

در ص ۲

پیروزی باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

"هستی" و "نیستی"

بقیه از صفحه اول

دارد و تنها مربوط به شخص وی نیز نیست. استعفای وی بمعنی پیش از پیش علنی شدن آن مبارزه‌ای است که از دیرباز میان جناح‌ها جریان داشت. این مبارزه تا زمانی که یکی از آنها حریف را کنار نزنند ادامه خواهد داشت. بنابراین جای آن دارد تا علل و عواملی را که به استعفای میرحسین موسوی منجر شد، بررسی کنیم. خمینی در سخنرانی ۸ شهریور خود دو موضوع مهم از نقطه نظر خود را در مرکز سخنانش قرارداد: جنگ و "سازندگی".

باید توجه داشت که برای خمینی اصل همیشه عبارت بوده است از سرپوش گذاردن پرتضاها. او همیشه کوشیده است تا در کسوت داورنهایی چنان موضعی اتخاذ کند که نه سیخ پسوزد نه کباب. امروز نیز او همین هدف را دنبال می‌کند. به اظهارات خمینی در روز ۸ شهریور مراجعه می‌کنیم. وی از "جنگ" شروع می‌کند تا از جمله "حزب الهی" های مخالف صلح را راضی کند. خمینی می‌گوید: "... ما امروز نباید حساب کنیم که جنگ تمام شده است. باید حساب کنیم در حال جنگ هستیم". و برای اینکه تردیدی باقی نگذارد از "قوای مسلح" می‌خواهد تا مهیا باشند و از مردم می‌طلبد که به چپه‌ها بروند و "چپه‌ها را پر کنند" و یاریدگر تکرار می‌کند: "ما خودمان را در حال جنگ می‌دانیم".

باید گفت خمینی، چنانکه خود نیز دشمن سرسخت صلح بود و پذیرفتن قطعنامه ۵۸ را سرکشیدن جام زهر تشبیه کرد. امروز هم او وقتی جنگ را تبلیغ می‌کند، هدفش تنها آرام کردن "حزب الهی" های جنگ طلب نیست، بلکه خصلت ضد پشری خود را نیز که از ویژگی‌های دیکتاتور های خودکامه است، بروز می‌دهد. خمینی، در بخش دیگر سخنرانی خود موضوع سازندگی را که بگفته وی "بسیار مهم" است پیش می‌کشد. این پرسش مطرح می‌شود که اگر "جنگ" برای خمینی پایان نیافته و انسان‌ها همچنان باید روانه چپه‌ها گردند، در اینصورت چگونه می‌توان از "پازسازی" و "سازندگی" سخن به میان آورد. پازسازی پی آمده‌های مخرب جنگ، حداقل هنگامی میسر خواهد بود که پارکمرشکن هزینه‌های نظامی از دوش بودجه برداشته شود. اگر قرار بر این باشد که حدود یک میلیون ارتشی و پاسدار و بسیجی همچنان در مرز ایران و عراق متمرکز گردند، سخن گفتن از "پازسازی" جز آب در هاون کوبیدن نیست.

التهه مسائلی که طرح شد هیچگاه مورد توجه خمینی و اطرافیان نبوده است. آنچه وی را مجبور به ایراد سخنرانی پیش گفته کرده است، اختلاف شدید میان جناح‌های حاکمیت پر سر سازندگی است. حرف پر سر پر خورده به مسائل اجتماعی- اقتصادی است.

از گفته‌ها و نوشته‌های دست اندرکاران رژیم می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که بحث و مجادله میان گروه‌ها پر سر "پازسازی بعد از جنگ"

بشدت ادامه دارد. و مناقشه به اندازه‌ای شدید است که مفسری نوشت: "اهمیت این مقطع از تاریخ انقلاب اسلام می‌آنچنان است که می‌توان موقعیت آن را بردوراهی "هستی" و "نیستی" ترسیم کرد.

نظرات مورد بحث را می‌توان چنین فرمول بندی کرد: پازسازی به کمک امپریالیسم و انحصارهای چندملیتی که با "هوک و کرنا" ی مودت و دوستی کارناوال خود را همراه با "علم و کتل" روابط اقتصادی و کمک در امر پازسازی به طرف ایران سرازیر کرده‌اند "مانند" ایتالیا، ژاپن، انگلستان، فرانسه و... و با استفاده کامل از "توان داخلی" و بدون دخالت استعماری خارجی (کیهان ۶۷/۵/۲۰).

در این مقاله ما درصدد اظهار نظر پیرامون این مسائل نیستیم و این موضوع جداگانه‌ای است که ما در آینده پیرامونش خواهیم نوشت. در اینجا هدف فقط نشان دادن اختلافات میان جناح‌هاست که هر روز هم عمیقتر می‌شود.

خود خمینی نیز در پیمایش به مردم ایران درباره پذیرش قطعنامه ۵۸ صریحا به تشدید اختلاف‌ها اشاره کرد. او توصیه کرد که "باید پشت مواظب حرکات خود بود". وی از افرادی سخن به میان آورد که "با ظاهری صدز صد اسلامی" می‌خواهند، "به حیثیت و اعتبار آنان (روحانیت) لطمه وارد سازند و حتی علاوه بر تامین منافع خود روحانیت را روی در روی یکدیگر قرار دهند".

اینک مطبوعات مجاز انباشته از مقالاتی است که پرده از مبارزه شدید جناح‌ها پر می‌دارد. آنها می‌نویسند که پذیرش قطعنامه ۵۸ "شرایط جدیدی را رقم زد که ویژگی‌های خطر آفرین و ضربه پذیر فراوانی را به همراه دارد". سخن از "حرکت‌های فرصت طلبانه و ستیزه‌گر پا خط ناپ مکتب و انقلاب" و "هاله‌ای از ابهام گرداگرد بعضی مسائل"، "خطر پراکندگی و بروز سوءتفاهم" حتی در بین "نیروهای همیار و همراه انقلاب و نظام" و... می‌رود. پدیدگر سخن ما شاهد مبارزه پر سر قدرت هستیم. طبیعی است که در این پیکار مسائل اجتماعی- اقتصادی اهمیت فوق العاده‌ای دارد. قدرت اقتصادی زائیده قدرت سیاسی است.

"پازاریان محترم" که در سایه خمینی و برخی از اطرافیان توانستند طی ۸ سال جنگ از راه تجارت ثروت افسانه‌ای بدست آورند، حاضر نیستند مواضع خود را در حاکمیت از دست بدهند. در عین حال تجربه ۸ سال گذشته نشان داد که جذب سرمایه‌ها به بخش خدمات و پازرگانی ضربه مهلکی به تولید داخلی وارد آورده است. کشوری که چند سال پیش حدود ۸۰۰ هزار تن گندم وارد می‌کرد، اینک واردات آن را به ۲ میلیون تن افزایش داده است. طبق نوشته روزنامه‌ها تولید در اکثر موسسات صنعتی حتی به ۲۰ درصد ظرفیت آنها نمی‌رسد. صدها موسسه کوچک و بزرگ به مخروبه مهمل شده‌اند.

خمینی در سخنرانی خود می‌کوشد تا دو جناح مخالف را آشتی دهد. او، مطابق معمول صاحبان

ثروت را "مردم" می‌خواند و می‌گوید در پازسازی "اگر بخواهد دولت مستقل عمل کند، دولت قدرت ندارد. باید مردم همراهی کنند و هر چه قدرت دارند برای این امر مهم به میدان بیاورند لیکن با نظارت دولت". چگونه؟ از چه طریقی؟ اولویت از آن چه کسی خواهد بود؟ در اینجا خمینی بلافاصله مسئولیت را از دوش خود پرمی‌دارد و پیشنهاد "هیئت تشخیص مصلحت" مرکب از "سران کشور و نخست وزیر" را پیش می‌کشد که باید گفته‌های تشخیص دهند که باید اول بشود، کجا بعد باشد، وضعیت چه جور باشد.

خمینی دگر بار دستور می‌دهد که "مردم باید در امور تجاری آزاد باشند... دولت اجازه بدهد مردم از خارج چیز بیاورند، تجارت کنند". در همین راستا خمینی حق تعیین "تعزیرات حکومتی" را هم از دولت سلب و به "مجمع تشخیص مصلحت نظام" واگذار می‌کند.

چنانکه ملاحظه می‌شود، خمینی را کاری به مسئله حیاتی پازسازی و یا نوسازی اقتصاد نیست و اصولا وی در این باره درک حتی اندک روشنی ندارد. او، اقتصاد را در تجارت خلاصه می‌کند و حامی کسانی است که "سهم امام" را سر موعد می‌پردازند. آری، "نصایح" خمینی در حضور خامنه‌ای و موسوی با هدف "آشتی دادن" طرفین مخصوصه انجام می‌شد. آنهم به سبک آزمایش شده و ناموفق گذشته و درست به همین سبب با عدم موفقیت روبرو گردید.

اظهار علاقه خمینی به موسوی، نخست وزیر، در نامه اخیرش و سرزنش وی که چرا بدون اجازه او ترک مسئولیت کرده و بدین طریق بهانه بدست "دشمنان" داده است، نمی‌تواند تغییری در وضع متزلزل رژیم بدهد. می‌توان موسوی را به پست نخست وزیری باز گرداند، می‌توان برای گروه رفسنجانی - احمد خمینی میدان وسیع تری برای مانور با امپریالیسم جهانی، پسرکردگی امپریالیسم آمریکا، پاز کرد، می‌توان با استفاده از تفرقه موجود میان نیروهای اپوزیسیون و اعمال ناروا و اشتباه‌های سیاسی برخی از سازمان‌های خود محور پین به عمر رژیم چند صباحی افزود، اما نمی‌توان از فروپاشی رژیم "ولایت فقیه" جلوگیری بعمل آورد. تعداد "جمیعت" هایی که با این نظر موافق هستند و هریک بطریقی در بطن جامعه با نظام حاکم مبارزه می‌کنند، اندک نیست. نتیجه می‌گیریم:

سیر حوادث نشانگر آن است که در مرحله کنونی اختلاف میان دو جناح عمده در حاکمیت هر چه بیشتر شدت می‌یابد و این امر خواه و ناخواه عدم ثبات رژیم را دوچندان خواهد کرد. ما هم با مفسر پیش گفته هم عقیده‌ایم که در حال حاضر مسئله "هستی" و "نیستی" رژیم رقم می‌خورد. به پاور ما نقش تعیین کننده را توده‌های خلق ایفا خواهند کرد. توده‌ها خواهان "نیستی" رژیم خمینی هستند و پیروزی نیز در نهایت با آنان خواهد بود.

رژیم "ولایت فقیه" در بن بست همه جانبه اجتماعی - اقتصادی

رژیم "ولایت فقیه" که در بن بست همه جانبه اجتماعی - اقتصادی گرفتار شده است، برای نجات خویش و جلوگیری از یک طغیان عمومی، سرانجام قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد را پذیرفت.

تغییر ناگهانی موضع رژیم توسعه طلب "خمینی" که تا آخرین لحظات پیش از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ بر طبل جنگ می کوبید، شاید برای بسیاری از محافل سیاسی غیر مترقبه بود. اما برای حزب ما، مسئله ای غیر قابل پیش بینی نبود. به همین جهت، در هفته های پیش از پذیرش قطعنامه، در نشریات حزبی، بطور وسیع و همه جانبه این روند بعنوان یگانه گریزگاهی که گردانندگان دستگاه حکومتی خمینی برای حفظ خود بدان می اندیشند پیش بینی و تحلیل می شد.

فقر، بیکاری، گرانای لجام گسیخته، بی سرباهی، آوارگی و مهاجرت، انواع فشارهای روانی ناشی از جنگ و اندیشه های قرون وسطایی رژیم، اقتصاد ورشکسته، صنایع و کشاورزی ناپود شده و سرانجام شکست های پیایی جنگی همه و همه از انگیزه های طغیان عمومی در ایران است که رژیم را دچار وحشت کرد و تا هنگامی که این انگیزه ها وجود دارد، رژیم با وحشت دست پگریبان خواهد بود.

"نامه مردم"، ارگان مرکزی حزب، در شماره چهارده تیر ماه خود نوشت "مهمترین عامل موثر در جریان های آینده نه چندان دور خود توده های مردم هستند. مردم از سیاست رژیم در مجموع خود و به ویژه از سیاست ادامه جنگ بیزارند." "نامه مردم" در ۲۸ تیرماه نوشت "... شعار" مرگ پر خمینی"، "ما کربلا نمی خواهیم"، "به جنگ پایان دهید"، در اکثر شهر و روستاها به گوش می رسد."

تعیین چانشین برای فرمانده کل قوا از سوی خمینی گویاترین دلیل رخنه ناراضی عمومی در صفوف قوای نظامی رژیم است. هنوز جزئیات این ناراضی و دستگیری و بازداشت معترضین به سیاست رژیم در قوای مسلح فاش نشده است. اما اطلاعاتی در دست است که جمعی از فرماندهان ارتش و سپاه در بازداشت پسر می برند.

همزمان با رخنه ناراضی عمومی در قوای مسلح رژیم و در آستانه بگیر و ببندها در ارتش و سپاه پاسداران و سپس قبول قطعنامه ۵۹۸، ارگان مرکزی حزب توده ایران در شماره ۱۴ تیرماه خود نوشت که سیاست خمینی "چنان ارضیه ای پرچای گذارده که برای از بین بردن پیامدهای مخرب آن قربانی های فراوان داده خواهد شد... بحران های شدید و شکننده هم اکنون سراسر شئون کشور را فرا گرفته و هیچ امکانی برای اصلاح باقی نگذاشته است... مهمترین عامل موثر در جریان های آینده نه چندان دور خود توده های مردم هستند... جامعه ما به پشکه پاروتی مبدل شده است..."

امپریالیسم و محافظی از هیئت حاکمه هر دو نگران رویدادهای آینده ایران هستند و روز به روز بیشتر دست هایشان را در دست های یکدیگر می گذارند.

رژیم "ولایت فقیه" برای نشان دادن عزم راسخ خود در جهت تحکیم پیوند با امپریالیسم جهانی، مناسبات دیپلماتیک خود را طی این مدت با انگلستان، فرانسه و کانادا برقرار ساخته و از هم اکنون وعده همه گونه غارت منابع ایران را به آنها می دهد. در میان این وعده ها دعوت از فرانسه برای شرکت در بازسازی ایران ویران شده پس از پایان جنگ با عراق و مذاکرات برای بستن قراردادهای بزرگ اقتصادی با ایتالیا با همین هدف جلب توجه می کند.

با آگاهی از نظرات "میان راه" در حکومت خمینی بود که در اوج نفرت مردم ایران از آمریکا در جریان سرنگونی هواپیمای مسافربری ایران در خلیج فارس، محافل سیاسی آمریکا با اطمینان اعلام داشتند که این حادثه نمی تواند روند نزدیکی ایران و آمریکا را متوقف سازد، زیرا ایران هیچ چاره ای جز نشستن در دام آمریکا ندارد!

دریادار ترنر، رئیس سابق سازمان "سیا" پس از سقوط هواپیمای مسافربری ایران، با خیالی آسوده، در مصاحبه ای گفت "... در چنین حالتی فشار آمریکا به ایران نباید ادامه یابد و حادثه اخیر نباید پیران

تاثیر بگذارد... ایران گرفتاریک بحران عمیق اقتصادی - سیاسی است... خمینی صحنه را، نه در دراز مدت ترک خواهد کرد... ایران می تواند به بازگشایی بین المللی (بخوان دام غارتگران جهانی) بازگردد. حتی پادان قرض به ایران باید آنها بفهمند که می توانند مشکلاتشان را حل کنند..."

در همین زمان روزنامه "واشنگتن پست" پیرامون ارتباط های ایران - آمریکا با صراحت کم سابقه ای نوشت که در ماه های اخیر از سوی رژیم ایران علامت هائی برای نزدیکی با آمریکا داده شده است. حتی اخیرا دو ایرانی که می گفتند نماینده چریانات قدرتمند سیاسی ایران هستند، خواهان ارتباط های نزدیک با آمریکا شده بودند، اما دولت آمریکا ضمن یادآوری ماجرای ایران - کنتررا به آنها اطلاع داد که دولت آمریکا مایل است با نمایندگان رسمی حکومت ایران مذاکره کند. همین روزنامه سپس از قول یکی از مفسران اعزامی خود به ایران بنام "راپین رایت" نوشت که وی برقراری مناسبات علنی و رسمی جمهوری اسلامی و آمریکا را با مقامات رژیم خمینی طرح کرده است. آنها (مفسر نمی نویسد آنها کیستند که همه گونه قدرت تصمیم گیری را دارند) گفته اند، این کار پس از برقراری ارتباط دیپلماتیک رسمی و علنی با انگلستان، فرانسه و کانادا ممکن است و در این جهت حرکت خواهد شد.

همین روزنامه از قول "تورگوت اوزال" نخست وزیر ترکیه نوشت که او در مصاحبه ای گفته است که از ایران نشانه هائی که حکایت از تمایل ارتباط دیپلماتیک با آمریکا است دریافت شده است.

نشانه ها و فاکت ها در این زمینه بسیار است، اما در میان همه آنها باید به پیام زیگان برای سران جمهوری اسلامی در زمینه برقراری مناسبات رسمی و بهبود روابط ایران و آمریکا اشاره کرد که رسانه های گروهی آمریکا خبر آنها پس از قبول قطعنامه ۵۹۸ پخش کردند. همین رسانه ها سپس اعلام داشتند که ایران نامه ای در پاسخ نوشته است که مورد قبول ریگان نیست. متن این نامه منتشر نشده است.

باید دید که رژیم برای این زدوبند همه جانبه، با چه ترفندی پنجره ها را برای بازگشت آمریکای از در رانده شده، باز خواهد کرد؟

در این راستا از جمله تلاش می شود که در ذهن توده های مردم "خطر کمونیسم" برچسته شود و اتحاد شوروی جایگزین آمریکا گردد. برخاسته از همین نیرنگ است که در قطعنامه راهپیمایی بیعت و تأیید قبول قطعنامه ۵۹۸، کمونیسم ستیزی جای ویژه ای پیدا کرده است. در چارچوب همین سیاست و برای اعلام آمادگی بخاطر نزدیکی بیشتر با امپریالیسم جهانی و خصوصا امپریالیسم آمریکاست که تیرپاران توده ای ها و فدائیان اکثریت شروع شده است.

رژیم برای پشت سر گذاشتن این مرحله چند مانع بر سر راه دارد که برای مقابله با آنها، مانند هر رژیم ضد مردمی دیگر، چاره ای جز تشدید ترور و اختناق ندارد. این موانع عبارتند از:

الف - حزب توده ایران و دیگر سازمان ها و گروه های انقلابی و دمکرات که علیرغم کشتارها و بازداشت ها و پیگردها در ایران فعالیت می کنند، ب - مخالفان سازش با آمریکا در بدنه رژیم که همچنان آمریکا را دشمن می شناسند،

ج - نمایندگان لایه هائی از پورژوازی ایران که ادامه اختناق و شیوه های فاشیستی رژیم را در تضاد با منافع دراز مدت خود تشخیص داده اند. در این راستا رژیم خود را آماده یک یورش همگانی و سرکوب عمومی می کند.

در شرایط کنونی، میلیون ها ایرانی که در حقیقت فاتحان سنگرهای استهداد و غارت و خیانت رژیم سلطنتی شاه بوده اند، اکنون هر روز بیشتر از روز پیش به خیانت رژیم "ولایت فقیه" پی می برند و آگاهی از زدد و پندهای رژیم دشمنی، که زمانی بعنوان "شیطان بزرگ" از در پیرون رانده شده است، آنها را خشمگین می سازد. این آگاهی از یکسو

پیش از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی رژیم

* رژیم بخاطر کمبود گوشت دم توپ، فشار زیاد به کردها و پنهانندگان عراقی می آورد تا آنها را به جبهه‌ها بکشاند. در همین چارچوب از جمله به کردهای عراقی، مستقر در اردوگاههای چهرم، می گویند یا باید به جبهه بروند یا از ایران اخراج خواهند شد.

* روز ۱۶ تیر ماه، در پادگان دژبان مرکز (جمشید آباد)، دایره عقیدتی - سیاسی از پرسنل پادگان می خواهد که خود را داوطلبانه برای اعزام به جبهه معرفی و ثبت نام کنند. از چهار هزار نفر پرسنل، تنها ۱۲ نفر اعلام آمادگی می کنند. از این رو "اعزام داوطلبانه" را با قرعه کشی انجام می دهند.

* در هفته سوم تیر ماه، در کرج حدود ۶۰ هزار نفر از جوانان و نوجوانان را در خیابانها بعنوان سرباز دستگیر کردند. بسیاری از خانواده‌ها از سرنوشت فرزندان خود بی خبر هستند.



* در مورد اعزام به جبهه، یکی از دست اندر کاران وزارت آموزش و پرورش گفته است که پس از ابلاغ بخشنامه* اخیر برای اعزام به جبهه‌ها، تنها گروهی از روسا و معاونان بخش‌ها هستند که ثبت نام کرده اند. شکست‌های اخیر تاثیر بدی روی روحیه کارکنان گذاشته است و حاضر نیستند داوطلب اعزام به جبهه شوند.

* پس از شکست‌های پیاپی رژیم در جبهه‌ها، عده زیادی از سربازان و بسیجی‌ها از جبهه فرار می کردند و اسلحه خود را در اموار و دژ فول و دیگر شهرهای منطقه چنگی می فروختند و متواری می شدند. فرار سربازها و پخش شدن اسلحه در بین مردم، رژیم را پشت به هراس انداخته بود.

* یکی از دست اندر کاران رژیم درباره جریان پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی خمینی چنین می گوید: "... مسئولان بالای مملکت مثل خامنه‌ای، رفسنجانی، موسوی نخست وزیر و ... دسته جمعی پیش خمینی جمع می شوند و به تشریح اوضاع و احوال می پردازند. از وضع بد جبهه‌ها و شکست‌های اخیر، قدرت عراق، فرار سربازها و بسیجی‌ها، عدم شرکت مردم در جبهه، ندادن کمک مالی و خلاصه ناراضی‌هایی شدید مردم نسبت به ادامه جنگ و احتمال اتفاقات ناگوار (منظور قیام مردم) را توضیح می دهند و تقاضا می کنند تا خمینی قطعنامه ۵۹۸ را بپذیرد. خمینی پس از شنیدن تقاضای مسئولین کشور پشت برافروخته می شود و داد می زند: "پس بروید بگوئید این سید دیوانه بوده است". و این جمله را چند بار تکرار می کند. اطرافیان با مشاهده برافروختگی خمینی، بازبانی نرم به او می فهمانند که اگر صلح را نپذیریم ممکن است رژیم سرنگون شود و نظام فروپاشد. سرانجام خمینی با حالتی سرشار از درماندگی می گوید پروید هر کاری می خواهید بکنید، من تأیید می کنم".

* در پی فرمان ستاد پشتیبانی جنگ مسئولان مربوطه در اردبیل تصمیم گرفتند دو بیست نفر از پاسدار وظیفه‌های متاهل را که قبلاً در جبهه بودند و سپس به شهر منتقل شده بودند، تحت عنوان "اعزام فوق العاده" به جبهه بفرستند. پاسدار وظیفه‌ها با تهیه طوماری مراتب اعتراض خود را نسبت به این تصمیم ابراز داشتند. مسئولان سپاه که اوضاع را بر وفق مراد نمی دیدند، گفتند: "این دستور از تبریز صادر شده و ارتباطی پماندارد". روز ۲۹ فروردین که قرار بود آنها به تبریز اعزام گردند، عده‌ای از رفتن به پادگان خودداری کردند و بقیه که به منطقه ۵ "بافر العلوم" تبریز اعزام شده بودند، با برپایی اجتماعی، به اعتراض پرداختند. وقتی مزدوران رژیم اوضاع را وخیم دیدند، همه پاسداران وظیفه را به اردبیل بازگرداندند. آنها خوشحال از موثر واقع شدن اعتراضات به پادگان بازگشتند که این امر خشم مسئولان سپاه و اردبیل برانگیخت.

* در فروردین ماه ۶۷، با صدور بخشنامه‌ای به هنرستان صنعتی کرج هنر جوانان را موظف کردند که به ساخت قطعات جنگ افزار بپردازند. هنر جوانان ضمن اعتراض به این بخشنامه، از ساخت قطعات جنگ افزار سرپیچی کردند.

* در رابطه با پیر کردن فرم اعزام به جبهه، در مخابرات تهران، قسمت ماهواره، از هزار نفر پرسنل تنها یک نفر حاضر به پیر کردن فرم شد.

* عصر روز دهم اردیبهشت ماه، در خیابان قزوین کرج روبروی مخابرات، مزدوران کمیته قصد داشتند جوانی را که همراه مادرش بود با زور پا خود ببرند. جوان مقاومت می کرد و پاسداران او را به باد کتک گرفته بودند. مردم به دخالت پرداختند و شروع به هو کردن پاسدارها کردند. پاسدارها هم به ناگزیر محل را ترک کردند و جوان که زخمی شده بود، از شر آنها رهایی یافت.

مادر يك شهيد: ما جنگ نمی خواهیم!

روز ۲۰ اردیبهشت ماه، در یکی از مینی-بوسهای خط تهران نو، صحنه جالبی پیش آمد: مینی بوس چند ایستگاه از مبدا حرکت خود دور شده بود که یک مسافر سوار شد و نزدیک راننده روی جعبه‌ای نشست. این شخص که ظاهراً پاداننده دوست بود، با او بلند بلند درباره لاستیک و روغن و گرانای شروع به صحبت کرد. بعد مسافر دیگری با انگشت عقیبتی در دست و پاریش و تسبیح و خلاصه با سر و رویی که نشان می داد "حزب الهی" است، در صندلی نزدیک آنها نشست. صحبت فرد اول با راننده از گرانای به جنگ رسید و گفت: "جنگ که به زور نمی شود. مردم از جنگ عاصی شده اند. جنگ نمی خواهند" و ... در این موقع مسافر "حزب الهی" به میان حرف آنها پرید و گفت:

"لطفاً از طرف خودتان حرف بزنید، مردم جنگ می خواهند!" دوست راننده از کوره در رفت و با عصبانیت و اشاره به حاضران گفت: "این بخشی از مردم" سپس رو کرد به مسافران مینی بوس و گفت: "شما جنگ می خواهید؟" همه مسافران که حدود ۲۵ نفر بودند، داد کشیدند: "نه! نه!" و مردی از ته مینی بوس داد زد: "به گور پدرمان خندیدیم اگر جنگ بخواهیم!" مسافر "حزب الهی" برای آنکه قافیه را نبازد، در پاسخ گفت:

روز ۲۰ اردیبهشت ماه، در یکی از مینی-بوسهای خط تهران نو، صحنه جالبی پیش آمد: مینی بوس چند ایستگاه از مبدا حرکت خود دور شده بود که یک مسافر سوار شد و نزدیک راننده روی جعبه‌ای نشست. این شخص که ظاهراً پاداننده دوست بود، با او بلند بلند درباره لاستیک و روغن و گرانای شروع به صحبت کرد. بعد مسافر دیگری با انگشت عقیبتی در دست و پاریش و تسبیح و خلاصه با سر و رویی که نشان می داد "حزب الهی" است، در صندلی نزدیک آنها نشست. صحبت فرد اول با راننده از گرانای به جنگ رسید و گفت: "جنگ که به زور نمی شود. مردم از جنگ عاصی شده اند. جنگ نمی خواهند" و ... در این موقع مسافر "حزب الهی" به میان حرف آنها پرید و گفت:

"لطفاً از طرف خودتان حرف بزنید، مردم جنگ می خواهند!" دوست راننده از کوره در رفت و با عصبانیت و اشاره به حاضران گفت: "این بخشی از مردم" سپس رو کرد به مسافران مینی بوس و گفت: "شما جنگ می خواهید؟" همه مسافران که حدود ۲۵ نفر بودند، داد کشیدند: "نه! نه!" و مردی از ته مینی بوس داد زد: "به گور پدرمان خندیدیم اگر جنگ بخواهیم!" مسافر "حزب الهی" برای آنکه قافیه را نبازد، در پاسخ گفت:

بازتاب پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی رژیم در جامعه

* پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد از جانب رژیم، در مردم احساسات و واکنش‌های کاملاً گوناگونی را می‌شد دید. هیجان زدگی، بهت و حیرت با آه و افسوس.

در کل می‌توان گفت که مردم بشدت به هیجان آمده بودند. عده‌ای با ماشینهای شخصی، چراغها را روشن کرده و بوق می‌زدند. بیشتر مردم با افسوس خوردن بخاطر کشته شدن جوانان طی ۸ سال جنگ می‌گفتند "باز هم خوب است، حداقل بقیه" جوانهای این مملکت کشته نمی‌شوند". بسیاری از این خبر غیر مترقبه مات و میبهوت شده بودند و هنوز هم هستند و برایشان باور کردنی نیست که رژیم دست از جنگ بردارد و حرکت رژیم را یک حيله می‌دانند. در بسیاری از خانه‌ها گل و شیرینی پخش کردند و در کارخانه‌ها و ادارات و دیگر موسسات فقط بحث پیرامون جنگ و پذیرش قطعنامه بود.

* بعضی اعلام پذیرش قطعنامه، تلفن‌ها پاکار افتاد. همه با ناباوری، به یکدیگر خبر می‌دادند. خانواده‌هایی که سرباز داشتند از همه بیشتر خوشحال شدند و بهم تبریک می‌گفتند. بودند فرماندهانی که در یادگانه‌ها گریه می‌کردند و می‌گفتند ما که چند سال پیش گفتیم صلح بکنید و نگذارید بچه‌های مردم بیخود و بی‌جهت کشته شوند. نکرديد، حالا پاخفت تن به صلح دادید و لباس ما را بی ارزش کردید. "حزب الهی" ما هم گریه می‌کردند، چون تا پیش از اعلام خبر، می‌گفتند "مرگ بر صلح تحمیلی". آنها خیلی باید خوار می‌شدند. خانواده "شه‌ام بخاطر بیهوده از بین رفتن بچه‌هایشان اشک می‌ریختند و ناراحت بودند. در مجموع عوامل و پشتیبانان رژیم همه بخاطر پذیرش قطعنامه آنها با خوراری و ذلت، ناراحت بودند. اعضای انجمن اسلامی شمار چشمگیری از ادارات فردای روز پذیرش قطعنامه سر کار حاضر نشدند. در بیمارستان "امام خمینی" تراکت چسبانده بودند که "تنگ بر صلح تحمیلی". خلاصه داشت اعتراضات کسانی که بتک پذیرش

پیش از پذیرش قطعنامه ...

* کارگران و زحمتکشان قزوین در برابر سیاست ادامه جنگ رژیم بشدت مقاومت می‌کنند و از رفتن به جبهه خودداری می‌ورزند. آمار مربوط به اعزام به جبهه بمناسبت روز قدس نشانگر این واقعیت است:

نام مؤسسه	تعداد کارکنان (نفر)	تعداد اعزامیها (نفر)
کارخانه کاشی‌سازی پارس	۷۰۰	۷
کابل الیز	۴۰۰	۰
کارخانه پایش	۱۴۰	۲
کارخانه نفتن ایران	۵۰۰	۰
کارخانه کنتورسازی	۱۲۰۰	۱۲
کارخانه لوازم خانگی پارس	۶۰۰	۰
کارخانه ایران دو چرخ	۱۵۰۰	۱۴
کارخانه مولن موکت	۱۸۰۰	۵
کارخانه پوش	۹۰۰	۱۰
کارخانه قند	۲۵۰	۲
کارخانه قدس پلاستیک	۲۰۰	۵
اداره عمران	۴۰	۱
راه و ترابری	۱۰۰	۰
طرح آبهاری	۴۵	۰
تمام بانکهای قزوین	۵۰۰	۱
دانشکده‌های دهمدا، پزشکی و حسابداری	۶۱۰	۰
از دانش آموزان روستایی	۲	۸۵

قطعنامه بر سرشان خورده بود، دامنه پیدای می‌کرد که پیام خمینی پخش شد. پخش پیام خمینی آب سردی بر آتش هر دم تند شونده‌تر پیروان چشم و گوش بسته‌اش ریخت. آنها با شنیدن پیام در واقع برای مرگ سیاسی خمینی گریه می‌کردند. در عین حال کم نبودند و نیستند کسانی که دیگر برای همیشه خمینی برایشان مرده است.

* مردم حال عجیبی داشتند در این میان بدتر از همه حال خانواده‌هایی بود که فرزندانشان روز پیش از اعلام پذیرش قطعنامه در دهلران کشته شده و در بهشت زهرا بودند تا جسدها را به نوبت تحویل بگیرند و می‌گفتند اگر یک روز زودتر اینکار را می‌کردند، بچه‌های معصوم ما هم زنده می‌ماندند.

* ساعت ۲ بعد از ظهر که خبر پذیرش قطعنامه اعلام گردید، ارزش دلار در بازار آزاد سرعت سقوط کرد و در عرض نیم ساعت دلار از ۱۴۶ تومان به صد و بعد نود و هشتاد و پنج تومان رسید. سکه بهار آزادی از ۱۶ هزار تومان به هشت هزار و پانصد تومان و مارک آلمان غربی از ۸۸ تومان به ۴۸ تومان سقوط کرد. بازار به صورت راکد در آمد و روز چند تن از طلافروشان و بورس بازان بازاری سخته کردند. یک نفر هم خودش را از بالای ساختمان پلاسکو پائین انداخت.

علت سخته‌ها و خودکشی جمع کردن میلیونها تومان ارز و سکه و سقوط قیمت آنها بود. در میدان فردوسی بین کمیته و دلان ارز زد و خوردی روی داد و خلاصه آنهایی که دلار و طلا داشتند ناراحت بودند.

در بی اعلام خبر پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی رژیم، یک سپاهی آر-بی -چی زن از شدت خوشحالی فرمانده‌شان را بغل می‌کند و می‌بوسد. ولی فرمانده‌اش او را با خشونت از خود دور کرده و با قنداق تفنگ کتکش می‌زند.

آتش بس و چشم انداز صلح کلاشته از مشت‌های عناصر قشری و متعصب مذهبی، همه نیروهای مسلح (بسجی، سپاهی و ارتشی) را خوشحال ساخت.

* فردای پذیرش قطعنامه، تعداد قابل توجهی از خانواده‌های قربانیان جنگ، جلوی بنیاد شهید در تهران گرد آمدند و با شعار دادن علیه رژیم، بنیاد شهید و شخص خمینی، همراه با نفرین، اعتراض خود را نسبت به جنگ افروزان اعلام کردند و می‌گفتند "شما امروز با این خفت و خوراری تن به صلح دادید، چرا در این چند سال جوانهای ما را به کشتن دادید".

مسئولان بنیاد در حالی که سرخ شده بودند، جوابی برای خانواده‌های قربانیان جنگ نداشتند.

* پس از اعلام پذیرش رسمی قطعنامه از سوی رژیم در ۲۷ تیر ماه و پیش از پیام خمینی در ۲۹ تیر ماه در بسیاری از شهرها، عده‌ای حزب الهی که تا چند ساعت یا چند روز پیش از آن شعار جنگ جنگ تا پیروزی می‌دادند، بعنوان اعتراض قصد راهپیمایی و تظاهرات داشتند که از طرف مقامات امنیتی ممانعت شد. مثلا در تهران عده‌ای قصد داشتند، جلوی مجلس شورای اسلامی جمع شوند و نسبت به



صحنه‌ای که نباید گذارد

دیگر تکرار شود

پذیرش قطعنامه اعتراض کنند، که ماموران امنیتی رژیم مانع از کار آنها شدند. در رشت عده‌ای جلوی در خانه احسانبخش، امام جمعه رشت تجمع می‌کنند و شعار سر می‌دهند که "ما پیرو قرآیم، صلح نمی‌خواهیم". این عده بوسیله ماموران کمیته متفرق می‌شوند.

* در بی پذیرش قطعنامه و پیامی که از سوی خمینی در رسانه‌های گروهی پخش گردید، این روزها مسئولین تبلیغات رژیم بطور بی سابقه‌ای در جهت "پاک کردن شعارهای پیشین و جایگزینی آنها با شعار مناسب دیگر، در تکاپو هستند. جالب است که با "پاک کردن هر شعار، جمله‌ای از آخرین پیام خمینی را بجای آن می‌نویسند. جالب تر اینکه در بیشتر موارد از جملاتی که کاملا روشن و "صریح" نباشد بهره می‌گیرند. بنظر می‌رسد آنها نیز هنوز از شنیدن پیام و شوکی که به آنها وارد شده است کجی اند و برای اینکه در آینده هیچگونه مسئولیتی نداشته باشند عمل می‌کنند.

* پس از پذیرش قطعنامه از سوی رژیم، این روزها تب ثبت نام از کارمندان و اعزام "داوطلبانه" آنها بالا گرفته است. برابر بخشنامه‌هایی که مضمون همه آنها تقریباً یکی است، به همه وزارتخانه‌ها و سازمانها و دوایر وابسته دستور داده شده است که پس از نام نویسی از "داوطلبان"، تا حدود ۲۰ درصد از پرسنل خود را برای اعزام به جبهه معرفی کنند. در بیشتر ادارات با به راه انداختن بساط قرعه‌کشی، ۲۰ درصد انتخاب شد. هر چند در بیشتر جاها، پس از اعلام نام "داوطلبان"، آنها حاضر به رفتن نشده‌اند، با این وجود قرعه‌کشی‌ها کم‌کم ادامه دارد. شایان ذکر است که در بیشتر موارد از سوی روسا گفته می‌شود که فعلا اعزام صورت نمی‌گیرد و تنها مشخص شدن افراد و اعلام نامشان به ارگانهای ذیربط کافی است.

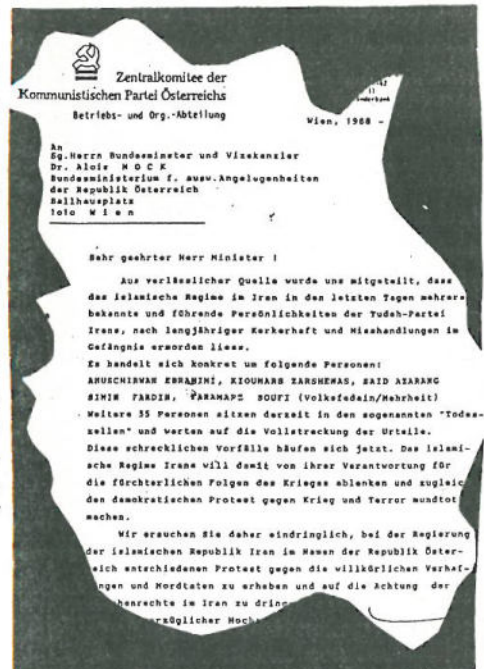
کارزار جهانی برای نجات جان زندانیان سیاسی ایران

نامه حزب کمونیست

اتریش به موک

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتریش نامه زیر را در تاریخ ۴ اوت برای دکتر آلویس موک، وزیر خارجه اتریش، فرستاد:

"جناب وزیر محترم، چنانکه از منابع مطمئن بنا خبر رسید، رژیم اسلامی ایران در روزهای اخیر چندین شخصیت معروف و برجسته حزب توده ایران، را پس از سالها زندان و شکنجه به جوخه اعدام سپرد.



اینان عبارتند از: انوشیروان ابراهیمی، کیومرث زرنشاس، سعید آذرنگ، سیمین فردین، فرامرز صوفی (فدائیان خلق / اکثریت /) و پنجاه و پنج تن دیگر اکنون در "سلولهای مرگ" در انتظار اعدام هستند. رژیم اسلامی ایران بدینسان می خواهد، اذهان عمومی را از مسئولیت خود در قبال پی آمدهای دهشتناک جنگ منحرف سازد و صدای اعتراض نیروهای دمکراتیک را علیه جنگ و اختناق در گلو خفه کند.

از این رو، از شما درخواست عاجل داریم، تا اعتراض شدید جمهوری اتریش را علیه بازداشتهای خودسرانه و جنایات (رژیم ایران) به دولت جمهوری اسلامی ایران ابلاغ کنید و این دولت را به ضرورت احترام به حقوق بشر در ایران متوجه سازید.

از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست اتریش دکتر والتر زیبلر مایر، دبیر

نامه به ورنیتسکی

هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در اتریش نامه زیر را به دکتر فرانتر ورنیتسکی، صدراعظم فدرال اتریش فرستاده اند:

"حضور محترم صدراعظم فدرال، چنانکه می دانید، رژیم اسلامی ایران در روزهای اخیر چند تن از شخصیت های نامدار حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را پس از سالها حبس و شکنجه در زندان بقتل رساند.

نام اینان بطور مشخص عبارتست از: دکتر انوشیروان ابراهیمی، مهندس کیومرث زرنشاس، سعید آذرنگ، فرامرز صوفی و انوشیروان لغانی. پنجاه و پنج تن دیگر در باصطلاح "سلولهای مرگ" بسر می برند و در انتظار اجرای حکم هستند.

در دوران اخیر شمار این موارد دهشتناک رو به افزایش بوده است. رژیم اسلامی، بدینسان می خواهد، اذهان عموم را از مسئولیت خود در قبال بی آمدهای شوم جنگ منحرف کند و در عین حال بانگ اعتراض محافل دمکراتیک را علیه جنگ و اختناق در گلو خفه سازد.

ما هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران از شما عاجلانه خواستاریم، تا بنام جمهوری اتریش مراتب اعتراض شدید خود را علیه دستگیریهای خودسرانه و جنایات رژیم ایران به دولت این کشور ابراز دارید و احترام به حقوق بشر را در ایران خواهان گردید.

با تقدیم احترام هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در اتریش

۲۰۰۰ امضاء و یادداشت

اعتراض

روزنامه "کنرال آنتسایگر" (پن) زیر عنوان بالا در شماره ۲۲ اوت خود خیر می دهد، که روز ۲۲ اوت در حدود ۵۰۰ ایرانی و اعضای "کمیته همبستگی ایران" (آلمان فدرال) در برابر نمایندگی سازمان ملل در "پادگودزبرگ" به تظاهرات پرداختند. بر پلاکاردهایی، که آنها حمل می کردند، از جمله، شعارهای زیر دیده می شد: "به اعدام ها در ایران پایان دهید!"، "جمهوری اسلامی - سرزمین شکنجه، سرکوب و اعدام - به این وضع باید خاتمه بخشید!".

دو تن از اعضای "کمیته همبستگی ایران"، به نمایندگی تظاهر کنندگان، یک یادداشت اعتراض با ۲۰۰۰ امضا به دفتر سازمان ملل در وین تسلیم کردند.

روزنامه "مورنینگ استار" در شماره ۵ سپتامبر خود عکس رفیق شهید رحمان هاتفی را همراه با خبر قتل او در اثر شکنجه جلاخان خمینی چاپ کرد.

این روزنامه در حدود نیم صفحه خود را به درج مطلب نامبرده، زیر عنوان "مرگ یک کمونیست در زندان تهران"، اختصاص داد.

★ Morning Star



Iranians hang Tudeh leaders
Regime executes 5 Communists

"مورنینگ استار" از خوانندگان خود می خواهد، تا از طریق کاردار سفارت ج.ا.ا. در لندن پایان اعدامها را طلب کنند.

آغاز جنایاتی جدید

روزنامه "فولکس اشتیمه"، ارگان مرکزی حزب کمونیست اتریش، خبر داد: "رژیم ایران در هفته های گذشته ترور نیروهای چپ را در ایران شدت بخشید. قربانیان این (موج) اختناق، در درجه نخست، اعضای حزب توده ایران و (سازمان) فدائیان خلق ایران (اکثریت) هستند. پایین مناسبت، حزب کمونیست اتریش به وزارت خارجه (اتریش) و سفارت ایران اعتراض کرده است.

چنین می نماید، که رژیم ایران با تشدید سرکوب نیروهای مخالف خود به اعتراض آنها علیه جنگ بیهوده خلیج پاخ می گوید. همه چیز گویای آنست، که این جنایات (چندی پیش پنج سیاستمدار معروف چپ اعدام شدند) آغاز موج جدیدی از اعدام سیاست مردان چپ است، که در زندان بسر می برند. حزب کمونیست اتریش از جمهوری اسلامی ایران خواسته است، که بیدرتنگ به این جنایات خود پایان دهد."

همین روزنامه در شماره ۶ اوت خود در بالای صفحه اول، زیر عنوان "چهار کادر حزب توده (ایران) بقتل رسیدند"، از تهران گزارش می دهد:

"رژیم ایران سرانجام به تهدیدات خود عمل کرد و چهار کادر برجسته حزب کمونیست توده را بقتل رساند. در بیانیه ای، که حزب توده ایران روز جمعه انتشار داد، آمده است، که ۵۵ زندانی دیگر در معرض خطر اعدام هستند."

به موج تازه اعدام زندانیان سیاسی باید پایان داده شود!

رژیم "ولایت فقیه" در...

نفرت از رژیم را دامن می زند و از سوی دیگر حقانیت و وطن پرستی نیروهای انقلابی و از جمله حزب توده ایران را ثابت می کند و پیروژه موجب گسترش باز هم بیشتر نفوذ، اتوریته و صحت نظرات و پیش بینی های حزب می شود.

همین حقیقت موجب شد تا در قطعنامه راهپیمایی سازمان یافته شده "بیعت با امام" ماده مربوط به سرکوب و به اصطلاح برخورد قاطع (پخوان : اعدام و یورش) توسط دادستانی را بکنجانند تا تشدید اختناق در جامعه را رسمیت ببخشند.

شواهد نشان می دهد که امپریالیسم آمریکا برای موفقیت گروه هاشمی- سید احمد در این مرحله و پشت سر گذاشتن این دوران دشوار برای زدوبند چی ها، از هیچ کمکی دریغ نخواهد کرد. در عین حال تجاوز مجدد قوای عراق به خاک ایران سؤال پراکنیز و عملیات ماچراچویانه مجاهدین خلق تعجب پراکنیز است.

آن تجاوز و این ماچراچویی در حقیقت کمک بزرگی بود به رژیم خمینی که به علت قبول دیر هنگام قطعنامه ۵۸ از هر سو زیر علامت سؤال قرار گرفته بود. این موج چنان پسرعت بالا می گرفت که سران رژیم ناچار شدند خمینی را در پیام از پیش تهیه شده بمناسبت سالگرد کشتار مکه، به اعلام موضع پیرامون پذیرش قطعنامه و ادار سازند. در این پیام به سؤال کنندگان اخطار می شود که چون و چرا و اگر و شاید و باید و نبایند نکنند.

رژیم با استفاده از این ماچراچویی و آن تجاوز موفق شد بصورت موقت جنگ قدرت در حکومت را تحفیف دهد و از خطر یک رویارویی بکاهد. گردانندگان رژیم همچنین موفق شدند تا با استفاده از شور و شفع عمومی ناشی از برقراری صلح و قبول قطعنامه ۵۸ و مخالفت با ادامه جنگ که تجاوز رژیم عراق و ماچراچویی مجاهدین خلق آنرا تداعی می کرد یک راهپیمایی سازمان دهند و نام آنرا "بیعت با امام" بگذارند. همه بخاطر دارند که فقط چند هفته پیش ویس از انتشار نامه هائی به امضای گلیلیگانی و مرعشی نجفی مبنی بر لزوم صلح با عراق وقتی راهپیمایی برای بیعت مجدد با خمینی و ادامه جنگ اعلام شد دفتر خمینی شتا پزده با صدور اطلاعیه ای آنرا لغو کرد، زیرا از آن بیم داشت که این راهپیمایی به تظاهرات ضد جنگ تبدیل شود.

در این راستا، رژیم امکان یافت تا با تعطیل موقت مجلس که می توانست به مردلیل و بهانه، به صحنه افشاگری هائی علیه رژیم تبدیل شود خود را از شر آن رها سازد. همچنین در جهت گسترش تام و تمام اختناق و جلوگیری از هرگونه اعتراض و افشاگری، دانشگاه های ایران را به بهانه

لزوم شرکت در جیبه های جنگ و دفع تجاوز تعطیل کند!
آیا رژیم موفق خواهد شد؟

ما همچنان اعتقاد داریم که ایران آهستن حوادث بزرگی است و رژیم "ولایت فقیه" برای بستن دفتر انقلاب سال ۵۷ و تبدیل ایران به "جزیره ثبات" هنوز همه شرایط و امکانات لازم را در اختیار ندارد. اوضاع آنچنان حساس و پهنج است که حتی حادثه ای کوچک می تواند نه تنها زد و بندچی های رژیم، بلکه امپریالیسم را غافلگیر کند. بحران همه جانبه چنان رژیم را فرا گرفته است که طرفندهای سردمداران حکومتی و امپریالیسم آمریکا ممکن است نتواند از انفجار جلوگیری کند.

آنچه هم اکنون در کشور ما می گذرد از بسیاری جهات با چاره جویی های رژیم شاه در سال های آخر حکومتش شابهت دارد. رژیم های ضد مردمی و سرکوبگر همچنان که برای حفظ خود به روش واحد متوسل می شوند قطعاً سرنوشت مشترکی نیز دارند.

ارتجاع و امپریالیسم تمام نیروی خود را برای کنترل جامعه و تبدیل آن به ایران دوران "جزیره ثبات" شاهنشاهی بکار گرفته اند. بدنام ترین مهره های امپریالیسم جهانی با وقاحتی کم نظیر در کنار سردمداران بلند پایه رژیم در مجامع، محافل و حتی صحنه تلویزیون ظاهر می شوند.

در این لحظات و برای تعمیق آگاهی مردم و وظیفه افشای رژیم و جلوگیری از مانور رژیم و بازگشت آمریکا به ایران، در برابر تمام نیروهای انقلابی و میهن پرست بعنوان یک وظیفه تاریخی وجود دارد و هیچ مانع، اما، اگر و شاید و پایدی نمی تواند و نباید پرسر راه آنان سد ایجاد کند. این وظیفه تاریخی چیزی نیست جز اتحاد و مبارزه.

حزب توده ایران با تمام تجربه نزدیک به ۴۷ ساله خود و بعنوان قدیمی ترین و پراسابقه ترین حزب سیاسی ایران که حوادث بزرگی را شاهد بوده و از سر گذرانده است، در این لحظات به تمام سازمان ها و گروه ها و احزاب مترقی، دمکراتیک، انقلابی و حتی شخصیت های منفرد و ملی هشدارهاش تاریخی می دهد. پیشداری ها را کنار بگذارید و شرط و شروط ها را فراموش کنید. قلم ها را نه برای فروکردن در چشم یکدیگر، بلکه برای افشای همه جانبه رژیم "ولایت فقیه" و آگاهی هر چه بیشتر مردم بکار بگیرید. دشمنان مشترک ما یک سرنوشت را برای همه ما رقم زده اند و سر همه ما را در یک سینی می خواهند. "لعنت آباد" رژیم نباید محل دیدار خاموش ما باشد!

عمل متحد و همفکری و همکاری مشترک ما می تواند در تعمیق آگاهی مردم نقش بزرگی ایفا کند. دست ها را در دست های یکدیگر بگذاریم و با یک کارپایه که بازگوکننده واقعیات امروز جامعه باشد، دست های مردم ایران را که در هوا مانده است بگیریم! حزب ما همیشه برای مذاکره در این زمینه آمادگی داشته و دارد.

چند پرسش از...

با "ساختار اقتصادی بر مبنای اصول اسلامی" را بکند. چرا که چنین ساختاری در جهان امروز وجود ندارد و اصولاً نیز نمی تواند وجود داشته باشد. در جهان معاصر دو اقتصاد سرمایه داری و سوسیالیستی وجود دارد که هر یک دارای قانونمندیهای ویژه خود هستند. اقتصاد بدون قوانین ویژه خود وجود خارجی ندارد.

خامنهای از کدام "اصول اسلامی" سخن می گوید که باید بر پایه آنها ساختار اقتصادی را تجدید بنا کرد؟ تجدید بنا یعنی نوسازی، یعنی ایجاد اقتصادی مدرن بر مبنای دستاوردهای عظیم انقلاب علمی و فنی. چگونه می توان بر مبنای احکام مربوط به ۱۴۰۰ سال پیش، که برای اداره یک جامعه بدوی بوده است، تجدید ساختار اقتصادی کرد؟

(۲) معنای "رونق اقتصادی اقشار مستضعف" که برای آن باید "برنامه ریزی اداری و دولتی

انجام پذیرد" چیست؟ در هیچ کتاب و در سنامه اقتصادی مقلاتی مانند "رونق اقتصادی اقشار مستضعف" ویا "برنامه ریزی اداری و دولتی" وجود ندارد. معمولاً کلمات "رونق" ویا "رکود" برای مجموعه اقتصاد بکار برده می شود. اقتصاد "مستکبرین" و "اقتصاد مستضعفین" مقلاتی محصول تخیل رئیس جمهوری رژیم و نشانگر سطح نازل فرهنگی اوست. درباره برنامه نیز می توان از برنامه ریزی دولتی سخن گفت، نه بیشتر. مابه مشاوران رئیس جمهوری توصیه می کنیم برای اینکه پیش از این بی سوادی آقای رئیس جمهور را در انظار افشار نکرده باشند، از او بخواهند که وارد معقولات نشود. زیرا:

- ۱) نامرد سخن نگفته باشد
- ۲) عیب و هنرش نهفته باشد
- ۳) خامنه ای، باپروشی ویژه ای از مردم رنجیده و عذاب کشیده، از مردم گرسنه و برهنه می خواهد تا بازم صبر و حوصله پیشه سازند ویا "کار مداوم و ایثار و پرهیز از منافع فردی و ایجاد نظم بازاری را شروع" کنند.

بدینسان رژیم پس از ۸ سال رنج و عذاب، از

توده های خلق می خواهد تا کمر بندها را هر چه بیشتر سفت کنند. نه، آقایان، صبر و حوصله مردم پایان ناپذیر نیست. وانگهی میلیونها ایرانی که مشتی صاحبان ثروت مانند زال و خون آنها را مکیده اند، دیگر چیزی برای "ایثار" ندارند.

تجربه گذشته به اثبات رسانده که رژیم واپسگرای "ولایت فقیه" نه قادر است و نه اصولاً می خواهد گرهی از مشکلات توده های محروم بکشاید. خمینی باز گذاشتن دست "بازاریان محترم" را توصیه می کند و زمین را برای چپاول و غارت هر چه بیشتر توسط آنان فراهم می آورد. و این با منافع اکثریت مردم در تضاد آشکار است. مردم واقعی (نه مردم مورد نظر خمینی) می خواهند سرنوشت خویش را راساً بدست گیرند و بدون تردید خواهند گرفت. مبارزه توده ها این سبت حرکت را نشان می دهد. ما، اعتقاد راسخ به قدرت توده ها داریم و به همین سبب نیز دوشادوش آنان به نبردنا پیروزی ادامه خواهیم داد.



زمین زیر پای

دیکتاتور شیلی می لرزد

پنجم سپتامبر بیش از ۲۰۰ هزار تن از اهالی "سانتیاگو" پایتخت شیلی، دست به یک راهپیمایی اعتراضی زدند. تظاهرکنندگان خواهان آن بودند که برای پایان گرفتن دیکتاتوری خونین فاشیستی پانزده ساله ژنرال پینوشه، در همه پرسى پنجم اکتبر، همه رای دهندگان علیه تنها نامزد انتخابات یعنی دیکتاتور قاتل دکتر سالوادوره آلینده، رای بدهند. پلیس شیلی طبق روش همیشگی خود با انواع وسائل سرکوبی که در اختیار دارد، از ماشین های آب پاش و گلوله های پلاستیکی گرفته تا گاز اشک آور، به صفوف مردم هجوم برد و ۲۶۰ تن را با زداشت کرد.

اینک که پانزده سال از کودتای خائنانه ژنرال های فاشیست مزدور "سیا" علیه دکتر سالوادوره آلینده - رئیس جمهور برگزیده مردم می گذرد، خونتای نظامی حاکم پراین کشور قسه پر گزار کردن انتخاباتی را برای تعیین رئیس جمهور آینده از طریق همه پرسى دارد. در این همه پرسى تنها یک کاندیدا (یعنی خود پینوشه) معرفی می شود، مردم تنها با انوشتن "آری" یا "نه" روی برگ های انتخاباتی می توانند موضع خود را اعلام کنند. بدین ترتیب در شرایط ترور و اختناق پلیسی راه برای انواع تقلبات و حقه بازی ها و بیرون آوردن پینوشه از صندوق ها هموار خواهد بود.

در شرایطی که امپریالیسم آمریکا علاقه فراوان دارد که به چهره دیکتاتورهای دست نشانده خود نقاب "دمکرات" بزند تا شاید آنانرا از خشم مردم محفوظ دارد، رژیم فاشیستی - نظامی حاکم بر شیلی هم پس از پانزده سال، مجبور به لغو حکومت نظامی شد تا ادعا کند که مردم با "آزادی کامل" دیکتاتور تبهکاری را برای رهبری کشور بر می گزینند. اما شعله های خشم مردم شیلی که پانزده سال است با همه وسائل ممکن علیه این دیکتاتور عامل "سیا" و امپریالیسم مبارزه می کنند با اینگونه عقب نشینی های جزئی فرو نمی نشینند. خلق شیلی تصمیم قاطع دارد عمال امپریالیسم آمریکا را از اریکه قدرت به زیر بکشد و سرنوشت خویش را خود بدست گیرد. بعضی لغو شدن حکومت نظامی، تعداد زیادی از شخصیت های پرچسته دولت آلینده که به خارج تبعید شده بودند به کشور بازگشتند. ماریا ایزابل آلینده - دختر رئیس جمهور فقید شیلی نیز که این روزها تازه به میهن خود بازگشته است، در راهپیمایی ۲۰۰ هزار نفری شرکت داشت. همسر

صحنه اصلی مبارزه...

حزب باید اصول پنهانکاری و انضباط آهنین را بدون چون و چرا مراعات کند. در این زمینه هیچگونه ساده نگری را نباید بخود اجازه داد. وجود رژیم ترور و اختناق ضرورت هر چه بیشتر تلفیق کار مخفی و علنی را می طلبد. زیرا از این طریق است که ما می توانیم بدون از چشم پلیس در میان توده ها فعالیت کنیم.

تردید نیست که ادامه مبارزه با مراعات اصول پیش گفته با مشکلاتی همراه است و تک تک اعضا، هسته ها باید در انطباق با محیط کار و فعالیتشان ابتکار و خلاقیت نشان دهند. در حال حاضر، یعنی پس از اعلام آتش پس در جبهه های جنگ ایران و عراق، جامعه ما آستان حوادثی است که با روشنگری و افشاکری می توان به آن جهت داد. این نیز از جمله ضرورت حضور تعداد هر چه بیشتری از توده ایها را در جامعه، در میان زحمتکشان شکل حادای مطرح کرده است. فرد - فرد ما موظفیم این وظیفه مقدس را انجام دهیم.

در خارج از کشور نیز اکثر رفقای ما در این روزهای دشوار آزمایش خوبی می دهند. توده ایهای پیکارچو در نامه های خود به رهبری حزب و "نامه مردم" بدرستی روی تشدید مبارزه در درون کشور و ضرورت حضور هر چه بیشتر هواداران و اعضا، حزب در صحنه اصلی مبارزه، تاکید می کنند. آنها در عین حال در خارج از کشور کارزار تبلیغاتی وسیعی را علیه جنایت های رژیم پراه انداخته اند. تظاهرات اعتراضی، جمع آوری امضا، ترجمه و ارسال اسناد رهبری حزب به سازمانهای بین المللی و رسانه های گروهی به منظور افشا رژیم جنایتکار خمینی، از جمله فعالیت های روزانه توده ایهای وفادار به آرمانهای حزب

سالوادور آلینده نیز پزودی از مکزیک عازم کشور خود خواهد شد تا در مبارزه علیه رژیم دیکتاتوری شرکت کند.

دیکتاتور شیلی در نامه سرکشاده ای خطاب به مردم، عوامفریبانه وعده داده است که اگر به ریاست جمهوری برگزیده شود، دمکراسی کامل را بر کشور حاکم خواهد کرد. ولی همه خلق های دیکتاتور زده به تجربه پی برده اند که به وعده های دیکتاتورها نمی توان و نباید پاور کرد. مردم شیلی که به دنبال کودتای خائنانه ژنرال های فاشیست نوکر امپریالیسم هزاران قربانی داده اند و رئیس جمهور محبوبشان بدست این نوکران "سیا" کشته شده است فریب این وعده های پوچ را نخورده و نخواهند خورد. هم اکنون همه احزاب سیاسی شیلی تدارک تظاهرات بازم گسترده تری را علیه دیکتاتور فاشیستی می بینند. واکنش رژیم هر قدر هم خشن باشد، مردم شیلی تا محو حکومت فاشیستی و برقرار کردن یک دمکراسی واقعی منبعت از اراده خلق، دمی از مبارزه باز نخواهند ایستاد.

قهرمان خود است.

البته در این میان افرادی نیز هستند که جاه طلبی رامورا، حوادث خونین در کشور قرار داده اند. اینگونه افراد که سخت سرگرم نامه پراکنی هستند، در نوشته های خود مسائل سیاسی را بکناری گذارده و به شیوه های ناپسند برچسب و اتهام زنی بقصد باصطلاح بی اعتبار ساختن رهبری متوسل شده اند. ما در اینجا به هیچ وجه در صد پاسخگویی به آنها نیستیم و خوانندگان "نامه مردم" بدرستی می خواهند تا در این مورد در هفته نامه چیزی، نوشته نشود. خوشبختانه باید گفت، اینگونه افراد که با اعمال خود هم آب به آسباب دشمن می ریزند و هم چهره واقعی خود را فاش می سازند، در مجموعه بدنه حزب اندک مستند. البته این بدان معنا نیست که با این افراد نباید مبارزه کرد. پلنوم دیمه ۶۶ هرگونه پرونده سازی، ترور معنوی، رهبری، حزب، تشویق خود محور بینی و جاه طلبی و خود رهبر بینی و شایعه سازی و... را از جمله حربه های جنگ روانی شمرد. پلنوم کمیته مرکزی، بویژه اعمال رفقای را که با نامه پراکنی موازین حزبی را زیر پا می گذارند، قویا محکوم کرد. در قطعنامه مصوب پلنوم گفته می شود که اینگونه افراد نمی توانند عضو حزب توده ایران بشمار آیند. اجرای بی قید و شرط قطعنامه حزب که به اتفاق آرا، به تصویب پلنوم دیمه ۶۶ رسید، وظیفه همه ارگانهای اجرائی است.

هیچ عاملی نخواهد توانست حزب توده ای ما را از انجام وظایف حاد خویش باز دارد. در حال حاضر که رژیم ج.ا. با بحرانی عمیق روبروست و پایه های آن متزلزل گردیده، همه نیروی ما باید متوجه تشدید مبارزه در داخل کشور گردد. این خواست اکثریت قاطع اعضا و هواداران حزب است و باید بموقع اجرا گذارده شود.

* *

به برنامه های

رادیوی زحمتکشان ایران

گوش فرادهید!

گمک مالی به حزب توده ایران

یک وظیفه انقلابی است

حساب بانکی ما:

Sweden, Stockholm
Sparbanken Stockholm
NO: 040012650
Dr. John Takman

NAMEH MARDOM NO:224 13 September 1988

Address: P.B.49034 10028 Stockholm 49 Sweden : نشانی پستی

نامه مردم